

تحولات بینشی برای نقش آفرینی مردم در دولت سازی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۲

تاریخ تأیید: ۹۹/۰۴/۲۱

سعید قهرمانی *

چکیده

پژوهش حاضر دنبال پاسخ به این سؤال است که تحولات بینشی برای نقش آفرینی مردم در دولت سازی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست؟، در این تحقیق تلاش شده با بررسی آراء، نظرات و تألیفات معظم له، تحولات بینشی برای نقش آفرینی مردم در دولت اسلامی را استخراج و شرایط آن را طبقه بندی و این چهارچوب های طبقه بندی شده، ساماندهی شود تا بتوان چهارچوب مفهومی کامل و جامعی برای نقش آفرینی مردم در دولت سازی اسلامی را تبیین کرد. از مسائل اصلی دولت اسلامی، نقش بینشی مردم در دولت سازی است؛ لذا با توجه به بیانات و مکتوبات و سایر آثار مقام معظم رهبری در نظرات و آراء نهفته معظم له این مسئله را در محورهای؛ باور به خدا و امدادهای الهی، باور به درستی راه و هادیان آن، باور به هدف و غایت، باور به داشته های خود و باور به ارزش های دینی و ارزش های انقلاب؛ بررسی و برای دستیابی به نتیجه مورد نظر به شکل روشمند و اصولی، تبیین و تشریح خواهیم کرد.

واژه های کلیدی: تحول، بینش، دولت اسلامی، مردم، مقام معظم رهبری.

مقدمه

پس از انقلاب اسلامی و تجدید حیات اسلام و زنده شدن تفکر اسلامی، سؤالی که در ذهن مردم شکل گرفت، این بود که هدف نهایی این تحولات چیست؟ و در نهایت به چه چیزی منجر می‌شود؟ مقام معظم رهبری در اولین اجلاس بیداری اسلامی در شهریور ۱۳۹۰، فرمودند: «هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.»^۱

بدون شک مردم در این مهم، صاحب نقش می‌باشند و این نقش به سبب عوامل مختلفی همانند ندادن جایگاه به مردم و یا عدم آگاهی مردم از این نقش، می‌تواند مورد غفلت قرار بگیرد. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از بیان شاخصه‌ها هم این جایگاه را برای مردم نمایان کرد و هم آگاهی مردم را نسبت به این نقش تقویت نمود. طبق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، ملت ایران در مسیر تمدن اسلامی مراحل پنج‌گانه که عبارت است از: انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوه‌های بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان؛ قدم برداشته و در حال حرکت است. به تعبیر معظم له، نقش مردم در انتخاب و تعیین دولت‌ها و کارگزاران صفر بود. امام خمینی (ره) این ملت را تبدیل کرد به یک ملت پراکنده، به یک ملت پرامید، به یک ملت پرتحرک، به یک ملت دارای هدف‌های بزرگ و به ملتی که برای زندگی خود تصمیم بگیرند، ملتی که برای تعیین سرنوشت کشور خود، نقش ایفا کنند.

طبق فرموده رهبری، ملت ایران بعد از انقلاب اسلامی، دنبال آرمان‌های بلند است که در راه نیل به این آرمان‌ها، اقشار مردم، دولتمردان و رهبری معظم انقلاب،

۱. بیانات رهبری در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.

وظایف و نقش‌هایی را باید ایفا کنند و تحولاتی باید اتفاق بیفتد. همان‌طور که رهبری معظم بیان فرموده‌اند: دولت به همه اجزای نظام اطلاق می‌شود که مردم در جای‌جای آن نقش اساسی دارد و در این پژوهش نقش‌بینشی مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد که با تبیین این نقش در ساختار دولت و جامعه؛ مسیر برای تحول و ایفای نقش مردم در دولت‌سازی هموارتر می‌شود.

مردم نقش اصلی در انقلاب اسلامی و همچنین نقش مهمی در تشکیل نظام اسلامی داشتند و امروز در مرحله دولت‌سازی اسلامی بی‌شک یکی از نقش‌آفرینان در این مرحله مردم هستند و لازم است مردم برای ایفای نقش خود تحولاتی داشته باشند. این تحولات در محور بینش که در زمینه‌های مختلف از جمله باور به خدا و هدف و باور به ارزش‌های انقلاب و داشته‌های خود تبلور می‌یابد. بینش، همان وجهه‌جان انسان است که به فعل، خیال، قلب و هستی او معنا می‌بخشد و نه تنها اندیشه، بلکه افعال و صفاتش را نیز تغییر می‌دهد. در واقع بینش، همان اندیشه و تفکر انسان است که هرچه بیشتر رنگ خدا را بگیرد، اعمال، گفتار و رفتار او را نورانی‌تر می‌کند؛ و برعکس هرچه شیطانی شود، فعل و صفت را نیز ظلمانی می‌کند؛ بنابراین تحول بینشی مردم که به‌عنوان اساس اصلی دولت می‌باشد در دولت‌سازی اسلامی نقش مهم و ویژه‌ای دارد که در این پژوهش تلاش می‌کنیم به امور نقش‌آفرین بینشی در دولت‌سازی اسلامی در حد توان پردازیم.

باور به خدا و امدادهای الهی

روشن است که منظور از خدامحوری تنها باور به وجود آفریننده‌ای برای جهان هستی نیست؛ زیرا هرچند باور به آفریننده و نیز آفریده شدن این جهان و به عبارت دیگر، آنچه از آن به «توحید در خالقیت» یاد می‌کنیم امری لازم است اما کافی نیست؛ چراکه مشرکان نیز چنین باوری داشتند. «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لِيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»^۱.

۱. قرآن، سوره زخرف (۴۳)، آیه ۹.

باور به خدا در راستای تمدن سازی اسلامی همیشه یکی از محوری ترین مباحث بیانات رهبری بوده است. ایشان زیربنای اعتقادی در اسلام را خداباوری و محور قرار دادن خداوند و اراده الهی در انجام کارها و سیر تکاملی این تمدن دانسته و به نصرت الهی در این مورد اشاره کرده و می فرمایند:

«وقتی خداوند متعال صریحاً به ما وعده می دهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۱، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲، وقتی خداوند متعال با صراحت، با تأکید به ما وعده می دهد اگر شما از دین او حمایت کردید... خدا شما را نصرت می دهد... با دست خالی، با حضور در خیابان ها می شود یک رژیم مستکبر متکی به همه قدرت های جهانی را سرنگون کرد و به جای آن یک نظام اسلامی آورد...»^۳

مراد از خدامحوری، باور به حاکمیت اراده خداوند بر همه عالم و اینکه هیچ اراده ای جز اراده او مؤثر در آن نیست. به عبارت دیگر، باور به آنچه از آن به توحید افعالی یاد می شود که همان خداشناسی حقیقی است: «فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۴ و همچنین آیه شریفه «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۵ که آشکارا هر نقطه ای را که خدا در آن تجلی نکرده باشد رد می کند؛ و اگر این مفهوم حقیقی خداشناسی در فعالیت های فرهنگی و عبادی در نظر قرار نگیرد فعالیت های فرهنگی به پوچی می گراید.^۶

۱. قرآن، سوره محمد (۴۷)، آیه ۷.

۲. قرآن، سوره حج (۲۲)، آیه ۴۰.

۳. بیانات رهبر در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

۴. قرآن، سوره بقره (۲)، آیه ۱۱۵.

۵. قرآن، سوره حدید (۵۷)، آیه ۴.

۶. اصغر طاهرزاده، آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۸۸.

با این توضیح یکی از مصادیق خدامحوری در انسان که می‌تواند در تمدن‌سازی اسلامی تأثیرگذار باشد، اعتماد به خداوند متعال و توکل به خدا و قدم نهادن در مسیر، طبق خواست او می‌باشد که رهبر معظم انقلاب در این باب می‌فرماید:

«... برای خدا کارکنید آقایان، هدف‌تان را هدف خدایی قرار دهید، مطمئن باشید خدای متعال، راه را باز می‌کند... به هر حال یکی از شاخص‌ها، اعتماد به خدا و انس با معنویات است. یک توصیه به مسئولین همین مسئله توکل و توجه به خدای متعال است.»^۱

باور به حاکمیت اراده‌ای حکیم و مدبر، انسان را به تلاش برای رشد و تعالی خود و دیگران برمی‌انگیزد. اگر بپذیریم که در عالم اراده‌ای منسجم و باتدبیر وجود ندارد هرگونه تلاش برای ارتقای آن بیهوده خواهد بود. رکن اساسی و اصیل تمدن‌سازی اسلامی رنگ و بوی الهی و معنوی آن است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»^۲

ایشان در بیانات خود، واگذاری امور به خداوند متعال در مسیر رسیدن به هدف را یکی از راهکارهای غلبه به مشکلات دانسته و می‌فرماید:

«بدانید که فرصت‌های ما و امیدهای ما بیش از این مشکلات است؛ یعنی حقاً، هم توانایی‌ها، هم فرصت‌ها، هم درهای باز و فتوحات الهی در مقابل، به مراتب بیشتر از این مشکلاتی است که عرض کردم؛ حجمش هم خیلی زیاد است؛ بنابراین با توکل به خدای متعال این مشکلات را بر خودتان آسان کنید.»^۳

۱. بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

۲. قرآن، سوره بقره (۲)، آیه ۱۳۸.

۳. بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶.

امداد غیبی در اصطلاح به نصرت‌های خاص الهی نسبت به مؤمنان در شرایط خاص و به شکل غیرعادی گفته می‌شود. در طول تاریخ اسلام کمک‌های خداوند به نبی مکرم اسلام و مسلمانان در جنگ‌هایی مانند بدر، احد و احزاب و یارهایی یوسف علیه السلام از کام خواهی زلیخا، نجات موسی علیه السلام از نیروهای فرعون و ... از مصادیقی می‌باشد که برای امداد غیبی ذکر شده است.

از نگاه مرحوم مطهری، امدادهای غیبی را می‌توان به دو معنای عام و خاص تقسیم کرد: «امداد عام شامل تمامی نعمت‌هایی است که خداوند به همه مخلوقاتش اعطا کرده و امداد خاص فقط دربردارنده کمک‌ها و نعمت‌هایی است که خداوند به مؤمنان در شرایط خاص ارزانی می‌دارد.»^۱

از روزهای آغازین انقلاب اسلامی و در طول حیات طیبه انقلاب اسلامی، همواره الطاف و امدادهای غیبی خداوند متعال در روزهای سخت و آسان همراه این حرکت الهی بوده است به طوری که رهبر معظم انقلاب در رابطه با امدادهای غیبی می‌فرماید: امروز در زمینه‌هایی پیشرفت کردیم که در سال‌های اول انقلاب تصورش را هم نمی‌کردیم؛ این مربوط به الطاف الهی و کمک الهی و حضور قوی مردم و تلاش مسئولینی است که در این مدت مشغول تلاش و کار بودند. دوران دفاع مقدس با توجه به شرایط خاص و توازن سیاسی و نظامی رژیم متجاوز بعثی با انقلاب اسلامی اصلاً در یک تراز نبود ما در طول این سال‌ها توانستیم مقاومت و استقامت خود را حفظ کنیم، از دیدگاه رهبری معظم انقلاب، این امر در سایه الطاف غیبی پروردگار اتفاق افتاده است و همچنین ایشان درک این امر را با بینش مادی و به‌دوراز خداباوری غیرقابل درک دانسته می‌فرماید:

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، ج ۳، صفحات ۳۴۴-۳۴۵.

«ملائکه الله به ما هم در دفاع هشت‌ساله مان کمک کردند؛ ما این کمک را به چشم خودمان دیدیم. حالا یک آدم غرق در مادیات باور نمی‌کند... امروز هم ما به کمک الهی ایستاده‌ایم. ما نیروی نظامی مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ نیروی اقتصادی مان، امکانات مالی مان، امکانات تبلیغاتی مان، گستره سیاسی مان با آمریکا قابل مقایسه نیست؛ اما درعین حال ما قوی‌تر از آمریکایییم.»^۱

ایشان در بیانات خود قدرت‌نمایی سیاسی و نظامی را در منطقه و مقابله با بدخواهان، دشمنان و نظام‌های استبدادی و انحرافی را که برای خود در جهان، صاحب هیمنه و قدرت هستند را در سایه امداد الهی و اعتقاد و باور به خدا دانسته و می‌فرمایند:

«در همه میدان‌هایی که ما و آمریکا باهم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی می‌کند و ما عقب‌نشینی نمی‌کنیم، جلو می‌رویم. این نشانه؛ این به برکت اسلام است؛ این به برکت کمک الهی و کمک ملائکه الله است. ما به این اعتقاد داریم، این‌ها را باور داریم...»^۲

باور به درستی راه و هادیان آن

مبنای حرکت انقلاب اسلامی بر پایه مبانی و آموزه‌های اسلامی می‌باشد به طوری که از اول حرکت انقلاب بنا بر تشکیل حکومت اسلامی و راه‌اندازی ولایت الهی بر عالم بود و تمامی نظریات حتی قانون اساسی بر پایه اسلام بود. مقام‌معظم‌رهبری در این باره می‌فرمایند:

۱. بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.

۲. همان

«انقلاب ما، یک انقلاب دینی و مذهبی است؛ هیچ تفسیر به رأیی، هیچ تفسیر مادی از این انقلاب نمی شود کرد.»^۱

در فرازهایی دیگر از بیانات خودشان محور اصلی انقلاب را دین معرفی کرده و می فرمایند: «دین، ستون فقرات انقلاب است.»^۲

ایشان این انقلاب را از معجزات الهی در جامعه بشریت نامیده و می فرمایند: «این انقلاب یک معجزه الهی بود.»^۳

با این اوصافی که رهبری معظم از انقلاب و نظام اسلامی می کنند به وضوح روشن است که گواه درستی راه، تکیه بر اوامر الهی و هادیان این حرکت انقلابی ائمه معصومین علیهم السلام می باشند که در ادامه سعی می کنیم نقش این عوامل مهم در تمدن سازی اسلامی را در حد توان، تبیین و توضیح دهیم.

رهبری معظم انقلاب درستی راه و هادیان آن را در مرحله اول راه خدا معرفی کرده و به جایگاه انسان در نظام هستی اشاره کرده و می فرمایند:

«در نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است، یک فرد مورد خطاب اسلام قرار می گیرد. در اینجا انسان یک رهروی است که در راهی حرکت می کند که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه».^۴ اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله کوتاه می شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی. انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این

۱. بیانات رهبری در دیدار اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۷.

۲. همان.

۳. بیانات رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴.

۴. قرآن، سوره انشقاق (۸۴)، آیه ۶.

مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب به این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمی‌کند. وظیفه هر فردی به‌عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند؛ باید این حرکت را انجام بدهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید. جاده این راه چیست؟ بالاخره مسیری را می‌خواهیم حرکت کنیم و به جاده‌ای نیاز داریم؛ این جاده، همان واجبات و ترک محرمات است. ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ ملکات اخلاقی و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه این راه است که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند؛ سرعت می‌بخشد. تقوا هم عبارت است از خویش‌نپایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. وظیفه فرد در نگاه اسلام به فرد، این است. در همه زمان‌ها، در حکومت پیغمبران، در حکومت طواغیت، یک فرد وظیفه‌اش این است که این کار را انجام دهد و تلاش خودش را بکند.^۱

با این توضیحات ایشان، روشن می‌شود که اولین قدم در راه تمدن‌سازی اسلامی، حرکت در مسیر الهی است و مهم‌ترین راهنما همین حرکت است و در مرحله بعد این راهنمایی به سبب ائمه معصومین علیهم‌السلام اتفاق می‌افتد که ایشان در این باره می‌فرمایند:

«هنر بزرگ پیامبران الهی این است که این غایت قصوی و این مقصد اعلی را به بشر معرفی کنند و بشناسانند و راه را نشان دهند و بگویند که صراط مستقیم، یعنی صراط‌الی‌الله و بفهمانند که هر چه از قوای انسانی در اختیار اوست - عقل و احساسات و حواس ظاهری و توانایی و دست‌وپا و چشم و نعمت‌هایی که در طبیعت هست - همه و همه وسایلی هستند، برای این‌که انسان بتواند راحت‌تر این راه را طی کند. بهترین انسان‌ها، آن انسانی است که این راه، یعنی راه خدا و هدف عالم وجود را می‌شناسد - که هدف خلقت هم همین است - و از نیروهای خود و طبیعت، برای رسیدن به این راه، استفاده می‌کند».^۲

۱. بیانات رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

۲. بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۵/۰۷/۱۸.

درجایی دیگر به این مهم اشاره کرده و می‌فرمایند: «انبیای الهی آمدند تا موانع را برطرف کنند و جاده تکامل را که خدا پیش پای انسان گذاشته، بگشایند و راه را به او نشان دهند».^۱ در معرفی اهداف پیامبران الهی به این نکته هم اشاره کرده‌اند: «تشکیل جامعه توحیدی، تشکیل نظام الهی، تشکیل حکومت خدا، تشکیل تشکیلاتی که با قوانین و مقررات الهی اداره بشود و این هدف همه انبیاست».^۲

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی از راهنماهایی که در مسیر تمدن‌سازی اسلامی معرفی می‌کنند وجود مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که ایشان با تحقق بخشیدن بر آرمان‌های اسلامی در راستای تشکیل حکومت اسلامی به‌عنوان راهنما این مهم را به همگان نشان دادند که می‌توان با تکیه بر اسلام ناب محمدی، تمدن و جریان اسلامی را در جهان به واقعیت تبدیل کرد:

«امیرالمؤمنین شاخص حکومت در یک جامعه پیشرفته، وسیع، متمدن و ثروتمند، مثل زمان ایشان نسبت به زمان پیغمبر را معین کرد. همه چیز پیشرفته بود. امیرالمؤمنین با رفتار خود خواست اثبات کند که در این وضعیت هم می‌شود همان اصول را زنده کرد. این، کار بزرگ امیرالمؤمنین است. اصل معنویت، اصل عدالت، اصل جهاد، اصل سازندگی مردم، اصل مدیریت‌های شایسته و لایق و مؤمن - که زندگی امیرالمؤمنین پُر است از حوادث و قضایایی که شما مردم در طول سال‌های متمادی از هر بخشی چیزهایی را به‌عنوان داستان و روایت و کلام امیرالمؤمنین می‌شنوید و شنیده‌اید - همه این‌ها نشان‌دهنده این حقیقت است؛ جمع‌بندی‌اش این است که امیرالمؤمنین می‌خواهد به دنیا نشان دهد که این اصول اسلامی در همه شرایط قابل پیاده شدن است».^۳

۱. بیانات رهبری در دیدار زائرین و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۱/۰۱/۱۵.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، صهبا، ص ۳۸۷.

۳. بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۳/۰۸/۱۵.

ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌عنوان پیشوایان نهضت اسلامی هرکدام در دوران زندگی و امامت خود در راستای تمدن‌سازی اسلامی، راهنمایی‌هایی را درخور وضعیت مسلمین کرده‌اند که استفاده از هرکدام آن‌ها می‌تواند جامعه را در راستای تمدن‌سازی اسلامی به موفقیت‌های مهمی برساند. در اینجا به خاطر خارج بودن از حوصله این پژوهش به مباحثی از فعالیت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام که همانند چراغ راه برای این جریان بود اشاره کردیم. حال در ادامه به نقش ولی‌فقیه در راهنمایی به رسیدن تمدن اسلامی، اشاره می‌کنیم.

ولی‌فقیه در زمان غیبت کبری ولایت عام را عهده‌دار است و در حکومت ولی‌فقیه که نشأت گرفته از حکومت نبی مکرم اسلام است این فقیه است که راه را برای انقلاب و جامعه اسلامی مشخص می‌کند و نقش راهنمایی را در این جریان اسلامی دارد پس یکی از راهنماهایی که در صورت باور می‌تواند در تمدن‌سازی اسلامی نقش ایفاء کند ولی‌فقیه می‌باشد همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود در این باره می‌فرماید:

«فقیه یعنی کسی که دین را می‌شناسد و راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، می‌شناسد و در مقابل مردم می‌گذارد. فقیه یعنی حاکمیت انسانی که یک منطق عقلانی پشت سرش هست و استدلالی محکم دارد. حاکمیت چنین انسانی را، حاکمیت یک نظامی یا یک سرمایه‌دار یا حاکمیت یک سیاستمدار حزبی حرفه‌ای، ندارد»^۱.

ایشان ولایت‌فقیه را هدایتگر و راهنمای نظام اسلامی به سمت دولت مطلوب اسلامی که از مراحل مهم تمدن‌سازی اسلامی است، معرفی کرده و می‌فرمایند:

۱. بیانات رهبری در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر و اقشار مختلف مردم در نیمه شعبان، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

«ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است».^۱ «ولایت فقیه یعنی یک مدیریت زنده و بالنده و پیش برنده».^۲

با معرفی این راهنمایان برای انقلاب اسلامی از اول حیات اسلام به وضوح روشن می شود که باور مردم به درستی راه و راهنمایان مسیر، دولت سازی اسلامی را عاری از هرگونه انحراف پیش خواهد برد و جریان دولت اسلامی را با کمترین هزینه و با بیشترین کارکرد به تحقق خواهد رساند.

باور به هدف و غایت

یکی دیگر از تحولات بینشی برای نقش آفرینی مردم در تحقق دولت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، باور داشتن به هدف و غایت می باشد. همان طور که در هدف خلقت انسان اهداف متعددی را می توان بیان نمود؛ برای دولت اسلامی نیز می توان همین دسته بندی را انجام داد.

امام خمینی بنیان گذار کبیر جمهوری اسلامی در باب رسالت اصلی حکومت که سعادت باشد، به طور مستقیم کمتر سخن به میان آورده اند، لیکن از غایت خلقت و قرب الهی و هدف بعثت و کمال و سعادت بسیار سخن گفته اند که این دیدگاه ایشان را نمی توان از بعد اجتماعی جدا انگاشت و به جنبه فردی منحصر کرد و از یکدیگر تفکیک نمود. ایشان غایت افعال انسان ها را رسیدن به قرب الهی و بارگاه قدس ربوبی دانسته و می فرمایند:

«عشاق جمال حق و مقربین و مجذوبین، غایت افعالشان وصول به باب اللّه و رسیدن به لقاء الله و ساحت قدس الهی است... چون ذات مقدسش کامل مطلق و

۱. بیانات رهبری در سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴.

۲. مکتوبات رهبری به نمایندگان مجلس و مردم ایران، ۱۳۶۸/۱۰/۱۸.

جمیل علی‌الاطلاق است، کعبه آمال همه موجودات و غایت مقصد جمیع سلسله کائنات است... پس غایت همه حرکات و افعال، ذات مقدس است.^۱

سالک حقیقی کسی است که طریق سعادت را پیموده و به مقامات اکمل انسانی راه‌یافته است. می‌توان گفت که در اندیشه ایشان، سیاستمدار واقعی کسی است که کمالاتی را در این مسیر تحصیل نموده و در حد قدرت و توان خود، مراحل از غایت انسانی‌اش را درک کرده و به مراتبی از سعادت حقیقی دست‌یافته است؛ و اگر قرب الهی و سعادت از نگاه ایشان به‌عنوان غایت اصلی یا غایت‌الغایات تعبیر شده، به جهت همین است که انسان برای نیل و وصول به آن خلق شده و هر امر دیگری غیراز آن، سعادت واقعی برای او به شمار نمی‌آید؛ زیرا هر غایتی لازم است با مبادی خود تناسب داشته باشد. همه این بیانات امام‌راحل در راستای غایت اصلی به جنبه فردی و حیات اجتماعی انسانی مرتبط است. ایشان در راستای ویژگی‌های مسئولین دولت اسلامی می‌فرمایند:

«انسان ابتدا باید خود را بسازد و شخصیت خود را ثبات بخشد تا بتواند وارد عرصه جامعه شده و در رأس نظام سیاسی، تدبیر امور را به دست بگیرد و جامعه را بر آن مرتبه‌ای که خود رسیده نائل سازد؛ یعنی مدیر جامعه باید به مرتبه‌ای از کمال و سعادت دست‌یافته باشد تا اینکه قادر به ضمانت سعادت جامعه شود. ما تا اصلاح نکنیم خودمان را، نمی‌توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم.»^۲

امام‌راحل تشکیل دولت اسلامی را ادامه کار انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌داند. ایشان معتقد بود که برنامه چنین حکومتی باید در راستای رساندن جامعه بشری به قرب الهی و سعادت تنظیم گردد. ایشان با دو دلیل، اندیشه‌اش را در اثر گران‌سنگ «ولایت‌فقیه» به اثبات می‌رساند. پس بر مبنای منطق امام‌راحل، غایت‌الغایات در حکومت اسلامی،

۱. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۴، ص ۶۰۱-۶۰۲.

۲. امام خمینی، کلمات قصار، ۱۳۷۴، ص ۶۵-۶۶.

رساندن جامعه به سعادت واقعی و حقیقی است که آن، قرب الی الله و هدایت‌گری انسان‌ها به سوی معرفت الله و به فعلیت رساندن قوای کمال‌جوی آن‌هاست.

وقتی مردم در بینش خود به هدف و غایت دولت اسلامی باور داشته باشند، خود را به تصمیمات و برنامه آن متعهد می‌دانند و در این حالت، دولت دست خود را در راستای تشکیل جامعه اسلامی باز می‌بیند. در نظر مقام معظم رهبری یکی از اهداف انقلاب، رسیدن و رساندن جامعه و انقلاب اسلامی به آرمان‌های اسلام است و این با باور به هدف اتفاق می‌افتد به طوری که وقتی مردم نظام خود را در راستای حرکت در مسیر اهداف دیدند باور و اعتمادشان روزافزون می‌شود و باهمت و تلاش دولت اسلامی را هم در به وجود آمدن و هم در ادامه مسیر، حمایت و پشتیبانی می‌کنند تا به غایت نهایی برسد چنانکه ایشان حرکت در این مسیر را این‌گونه توصیه کرده و می‌فرمایند:

«هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها. البته شما وقتی که در یک‌راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ [اما] این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است. بنده بارها تکرار کرده‌ام؛ جوان‌ها باید به سمت پیشرفت حرکت کنند؛ به سمت تحوّل مثبت حرکت کنند.»^۱

باور به هدف در انقلاب اسلامی، حاکمیت و نظام اسلامی را در نقطه اوج خود قرار می‌دهد زیرا این باور، قدرت مردمی را برای حمایت از انقلاب به وجود می‌آورد و در ایجاد دولت اسلامی نقش بسزایی را ایفاء می‌کند رهبر معظم انقلاب در فرازهایی از سخنان خود به معرفی اهداف انقلاب می‌پردازد؛ بنابراین باور افراد به اهداف انقلاب

۱. بیانات رهبری در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

است که از نظر ایشان عملکرد کلی را در راستای مسیر انقلاب قرار می‌دهد. به همین خاطر ایشان در موارد گوناگون به معرفی و یا بیان اهداف انقلاب اشاره کرده و می‌فرمایند:

«اهداف انقلاب [عبارت‌اند از]: حاکمیت دین خدا، آزادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، ریشه‌کنی فقر و جهل، مقاومت در برابر سیل بنیان‌کن فساد اخلاقی‌ای که از غرب به همه دنیا سرازیر شده که شما امروز دارید خصوصیاتش را می‌بینید.»^۱

یکی از راه‌های باور به هدف و غایت در انسان، شناخت هدف و غایت است. انسان با شناخت هدف و باور به آن، همه تلاش خود را می‌کند تا به آن هدف والای مدنظر برسد و در آن با تغییر بیش، نقش‌آفرینی می‌کند که رهبری اهداف و غایت انقلاب را چنین تبیین می‌کند:

«انقلاب در ذات خود یک حرکت پیش‌رونده است، آن‌هم پیشرفت پرشتاب، به کجا؟ به سمت هدف‌های ترسیم‌شده. هدف‌ها عوض نمی‌شوند. این اصول و ارزش‌هایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزش‌هایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند. هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین‌تر از آن، انسان‌سازی است؛ هدف پایین‌تر از آن، ایجاد جامعه اسلامی است با همه مشخصات و آثار که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. این‌ها اهداف هستند.»^۲

در جای دیگر، هدف از تشکیل جامعه را عدالت بیان می‌دارند و در سایه این عدالت امنیت را محقق می‌دانند و می‌فرمایند:

«تشکیل جامعه عادلانه یک هدف است؛ اما این هدف، هدف میانه است. ما می‌خواهیم به جامعه عادلانه الهی، جامعه اسلامی، دست پیدا کنیم برای اینکه در

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶.

۲. بیانات رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۰۴/۱۳.

سایه این نظام الهی بتوانیم خودمان را به تکامل برسانیم؛ خودمان را به نقطه امن وامان برسانیم.^۱

با دقت در بیانات ایشان می‌یابیم که باور به هدف و غایت در انسان، تحول بینشی نسبت به آرمان‌های انقلاب ایجاد می‌کند و تبدیل به قوه محرکه‌ای می‌شود که انسان را در مسیر نقش‌آفرینی در راستای دولت‌سازی اسلامی قرار می‌دهد.

باور به داشته‌های خود

باور به داشته‌ها در مسیر دولت‌سازی اسلامی بدون شک یکی از ابزارهایی است که سرعت رسیدن به هدف را دوچندان می‌کند به طوری که وقتی نیاز نهضت و حکومت از توان داخلی تأمین می‌شود دیگر تعامل با دنیا و باج‌خواهی‌های آن فروکش می‌کند و نهضت در امور خود به طور طبیعی طی طریق می‌کند مردم با داشتن باور به داشته‌های داخلی و تلاش برای رسیدن به ظرفیت‌های بالا، یقیناً نقش مهمی را در دولت‌سازی اسلامی ایفا می‌کنند که در این مجال تلاش می‌کنیم هم به داشته‌های مهم انقلاب و هم نقش آن‌ها در دولت‌سازی اسلامی اشاره کنیم.

یکی از داشته‌های انقلاب که مردم با داشتن باور به آن و توانایی‌های آن، می‌توانند دولت اسلامی را محقق کنند حضور و وجود مردم در حمایت و پشتیبانی از انقلاب است که این مسئله دو محور اصلی را در پی دارد اول اینکه خود مردم تلاش برای تحقق دولت اسلامی می‌کنند و دوم اینکه با پشتیبانی خود در ادامه، راه و مسیر را برای پیشرفت باز می‌کنند. رهبری معظم انقلاب در بیانات خود به محور بودن نقش مردم در جریانات مهم تمدن اسلامی اشاره کرده و می‌فرمایند:

«امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ‌کس درک نمی‌کرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما می‌گفتند که شما فکر می‌کنید با

۱. بیانات رهبری در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

همین مردم می‌شود کار بزرگی انجام داد؟! آن‌چنان با تحقیر حرف می‌زدند، کانه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره می‌کنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانایی‌های آن‌ها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل‌پاک بزرگ‌نورانی بیرون می‌آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه قشرها آمدند توی کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشایی‌ها تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش می‌رویم، ضرب دست امام است. ایشان آن‌چنان این گوی را محکم پرتاب کرده که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست می‌شود...»^۱

در جایی دیگر ایشان به نقش مردم اشاره داشته و مردم را که یکی از بزرگترین داشته‌های جامعه و حاکمیت می‌باشند؛ در راستای دولت‌سازی اسلامی مهم دانسته و می‌فرمایند:

«امروز در جمهوری اسلامی، همه مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیر مستقیم منتخب خود مردم‌اند؛ حتی رهبری؛ یعنی در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست؛ بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است و بدون انتخاب مردم، امکان ندارد. این دموکراسی است؟، یا آن چیزی که در سایه زرق و برق تبلیغات دروغین، [که] امروز در کشورهای غربی و دموکراسی‌های غربی می‌بینیم که البته به همان هم اعتقادی ندارند؟!»^۲

۱. بیانات رهبری سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

۲. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳.

یکی دیگر داشته‌های انقلاب که مردم با باور به آن و متحول کردن بینش خود، می‌تواند در دولت سازی اسلامی نقش مهمی را ایفاء کنند؛ داشتن نیروهای جوان، مؤمن، با اخلاص و کارآمد است که با گزینش آن‌ها توسط مردم و باور داشتن به توانایی آن‌ها، می‌شود گام مهمی را در دولت سازی اسلامی برداشت. رهبر معظم انقلاب در این باره به کرات سخن گفته و سفارش به این امر کرده و می‌فرماید:

«عزت و اقتدار و اعتبار مادی و معنوی کشور در دنیا و خیل عظیم جوانان انقلابی آماده به کار و پیشرفت‌ها و جهش‌های کشور، غیرقابل مقایسه با ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است و همه این موفقیت‌ها، مرهون لطف و عنایت الهی است؛ بنابراین توکل به خدا هیچ‌گاه نباید فراموش شود.»^۱

ایشان در جایی دیگر با تأکید بر این که نیروهای وفادار و معتقد به انقلاب از مهمترین داشته‌های مردم هستند و به نحوه حمایت و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها در راستای دولت سازی اسلامی اشاره کرده و می‌فرمایند:

«حمایت از نیروهای وفادار به انقلاب و معتقد به استقلال کشور ضروری است و نباید با برجسب‌هایی همچون تند و افراطی، این نیروهای پرانگیزه را از میدان خارج کرد، نیروهای مؤمن و انقلابی که مجموعه عظیمی از مردم را در بر می‌گیرند، باید در همه جا و در مقابل تعرض‌ها حمایت شوند و امکان حضور آنها در مراکز حساس فراهم شود، ... بنده به رؤسای جمهور در چند دوره گفته‌ام که برای پیشرفت کارتان از نیروهای وفادار به انقلاب استفاده کنید، زیرا آن‌ها هستند که در هنگام خطر برای کمک به نظام، به صحنه می‌آیند.»^۲

۱. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۰۷/۰۴.

۲. همان.

ایشان درباره اعتماد و باور جوانان ایرانی که یکی از داشته‌های مردم می‌باشد در راستای مدیریت و پیشرفت کشور می‌فرمایند:

«... جمهوری اسلامی اگر فقط همین کار را کرده باشد که روح خودباوری را، روح احساس عزت و هویت را به این ملت و این کشور و ماها برگردانده باشد، سالیان سال باید شکرگزارش بود؛ و من می‌خواهم به شما عرض کنم: اسلام، تفکر اسلامی و روح برخاسته از ایمان قرآنی اجازه نمی‌دهد که یک ملت این جور توانایی‌هایش سرکوب شود، استعدادهایش پامال شود؛ اجازه داده شود که به خاطر بی‌اعتنایی به توانایی ذاتی او، به حالت تخدیر شده بیفتد و دیگران بیایند بر سرنوشت او مسلط شوند. اسلام این را نمی‌گذارد و جمهوری اسلامی هم این را نمی‌گذارد. من می‌گویم ظرفیت توانایی‌های نیروی انسانی در همه موارد - که این تجربه سی ساله بنده است در مدیریت‌های گوناگون - می‌تواند جبران‌کننده بسیاری از کمبودها باشد.»^۱

یکی دیگر از داشته‌هایی که مردم با باور به آن می‌توانند در دولت‌سازی اسلامی قدم بردارند و نقش‌آفرینی کنند، وجود جوانان با استعداد در عرصه علم و تکنولوژی است که با باور داشتن مردم به آن‌ها می‌توان در مسیر دولت‌سازی اسلامی قدم برداشت؛ که رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

«در زمینه علم؛ ببینید ما یک حرکت پرشتابی را از حدود ده سال، یازده سال پیش به این طرف در زمینه علم داریم؛ یک حرکت خوبی شروع شده و آن‌طور که من دارم می‌بینم و گزارش‌ها را ملاحظه می‌کنم، این حرکت روزبه‌روز هم بیشتر شده، یعنی آن روز اولی که ما مسئله استغنا علمی و شکستن مرزهای علم و نهضت نرم‌افزاری را مطرح کردیم، خود بنده هم باور نمی‌کردم که این همه ظرفیت برای پیشرفت و سرعت پیشرفت وجود داشته باشد؛ بعد ناگهان دیدیم واقعاً از اطراف، مثل چشمه‌ای جوشید.

۱. بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰.

الآن شما نگاه کنید، مراکز تحقیقاتی ما، پارک‌های علمی - فناوری ما، دانشگاه‌های ما در بخش‌های مختلف، در حال جوشش‌اند؛ این باید متوقف نشود. در زمینه اقتصاد هم این آن چیزی است که به ما کمک اساسی خواهد کرد؛ یعنی اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم قطعاً در زمینه اقتصاد از فروش نفت و از خام فروشی‌هایی که داریم و مانند این‌ها، برای ما بسیار پر صرفه‌تر خواهد بود.»^۱

ایشان همچنین در راستای اهمیت علم و دانش در مسیر تمدن اسلامی به جوانان توصیه کرده و این مراکز را به‌عنوان داشته‌های خود برای رسیدن به اهداف مهم دانسته و می‌فرمایند:

«این جانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته‌شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.»^۲

باور به ارزش‌های دینی و ارزش‌های انقلاب

باور به ارزش‌های دینی و انقلابی در نحوه تشکیل حکومت‌ها بسیار نقش‌آفرینی می‌کند به طوری که این اهداف دینی و انقلابی است که نقشه راه را برای تشکیل و فعالیت‌های سیاسی و حکومتی تعیین می‌کند. هنگامی که از نقش ارزش‌های دینی و انقلابی روشن در دولت‌سازی اسلامی صحبت می‌کنیم منظور این است که ارزش‌های دینی و انقلابی در بطن جامعه - چه در سطح مدیران و چه در سطح مردم

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

۲. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

- چه نقشی را ایفاء می‌کند؟ یعنی حکومت‌ها از چه روش‌هایی برای اداره جامعه استفاده می‌کنند؟. حکومت‌ها مبتنی بر آن تعریف و برداشتی که از سیاست دارند، روش‌هایی را برای اداره جامعه اتخاذ می‌کنند. نوع تعریف از سیاست در عرصه نظری و تئوری، در عرصه عملی خود را در شیوه اداره جامعه نمایان می‌سازد. در تفکر اومانیستی و ماکیاویلیستی که ثروت و عظمت و قدرت و شهرت هدف می‌شود و سیاست مبتنی بر این ارزش‌ها تعریف می‌شود و به علت حرکت در بستر اومانیسم و سکولاریسم هیچ محدودیتی برای دستیابی به آن‌ها قائل نیست، بنابراین سیاستمدار می‌تواند از هر روشی برای دستیابی به این ارزش‌ها استفاده کند. در تفکر اومانیستی و مبتنی بر تعریف سیاست که قدرت جوهره و درون‌مایه آن است، از هر وسیله و روشی می‌توان برای کسب قدرت و اعمال و حفظ آن استفاده کرد. تاریخ غرب کم شاهد سرکوب‌ها و اعمال فشارها در جوامع خود و مخصوصاً سایر جوامع در قالب استعمار نبوده است. غرب در راه ارزش‌های خود از به یغما بردن ثروت جوامع دیگر و سرکوب و استعمار آن‌ها هیچ کوتاهی نکرد. در تفکر اومانیستی غرب، برای رسیدن به هدف، هر ظلمی روا است. می‌شود مردم را سرکوب کرد و یا آن‌ها را فریفت. در تفکر دینی از آن‌رو که سیاست دارای ارزش‌ها و اهداف متفاوتی است که مبتنی بر وحی و آموزه‌های دینی است. روش‌های مورد استفاده نیز مبتنی بر همان ارزش دینی و الهی و درعین حال انسانی می‌باشد. مهم‌ترین هدف و ارزش در سیاست، عدالت است. برخلاف غرب که جوهره سیاست، قدرت است؛ در تفکر دینی، جوهره سیاست را عدالت تشکیل می‌دهد؛ بنابراین روش‌های مورد استفاده در سیاست نیز مبتنی بر این ارزش کلان و سایر ارزش‌های دینی تعریف می‌شود.

حضرت علی علیه السلام روش‌های سیاستی را که از عدل ناشی می‌شود را در سه چیز می‌داند و می‌فرماید: «سِیَاسَةُ الْعَدْلِ ثَلَاثٌ: لَیْنٌ فِی حَزْمٍ، وَ اسْتِیْقَاصٌ فِی عَدْلِ، وَ

«إِفْضَالٌ فِي قَصْدٍ»^۱ سیاست عادلانه سه اصل است: نرمی در عین دوراندیشی، به نهایت رساندن [اجرای تمام‌عیار] عدالت و بخشش در عین میانه‌روی.

حضرت علی علیه السلام یکی دیگر از ارزش‌های دینی را به‌عنوان رأس عمل و سر‌عنوان سیاست‌مداران قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «رَأْسُ السِّيَاسَةِ، الِاسْتِعْمَالُ الرَّفِيقِ» و در جای دیگر می‌فرمایند: «الْحَلْمُ، رَأْسُ السِّيَاسَةِ»^۲ حال این موارد را مقایسه کنید با روش‌های سیاست در تفکر اومانیستی که هر راهی را برای رسیدن به اهداف خود مباح می‌داند. از اعمال فشار و سرکوب در خیابان‌ها و اغفال از طریق تبلیغات گرفته تا ریختن بمب اتم بر سر مردم. حضرت علی علیه السلام حتی برخی از ارزش‌هایی را که شاید مستقیماً به عرصه سیاست مربوط نباشند را به‌عنوان روش‌های نیکو و پسندیده در سیاست مطرح می‌کنند آنجا که می‌فرمایند: «حَسَنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْذِيرِ مِنْ حَسَنِ السِّيَاسَةِ»^۳ دوری گزیدن از اسراف، از نیکویی سیاست است. سیاست در تفکر اسلامی و عمل معصومین علیهم السلام دقیقاً در نقطه مقابل سیاست اومانیستی و ماکیاولیستی است. ماکیاولی صراحتاً شهریار را به دورویی و ریاکاری توصیه می‌کند به نحوی که در جلوی مردم از ارزش‌ها و اخلاق و دین صحبت کند اما در عمل به گونه دیگری رفتار کند اما روش معصومین علیهم السلام که الگوی ما در سیاست هستند، دقیقاً به شیوه دیگری است. شاعر معروف اهل بیت علیهم السلام درباره سیاست ائمه می‌گوید: آنان همانند سیاست عبدالملک، ولید، سلیمان و هشام (و بسیاری از حاکمان امروز جهان) نیست. هنگامی که بالای منبر می‌روند، دستور درست می‌دهند ولی چون پایین می‌آیند خطا کارند.^۴

۱. عبدالواحد بن محمد آمدی، شرح غررالحکم و درر الکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، ج ۴، ص ۵۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۸۵.

۳. همان.

۴. داوود الهامی، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، اخلاق و سیاست / بهترین سیاست‌ها و بهترین سیاستمدارها، سال ۳۹، شماره ۱۰، دی ۱۳۷۸، ص ۱۷.

ارزش‌های دینی و انقلابی، مردم را در مسیر تعیین دولت اسلامی راهنمایی می‌کنند زیرا دین علاوه بر دستورالعمل‌های اعتقادی و اخلاقی و عبادی، همواره امور سیاسی و حکومتی را مورد سفارش قرار داده است به طوری که به صفات کارگزاران و حاکمیت دینی و تشخیص افراد اصلح معیارهایی را بیان نموده است که مردم با تمسک به آن امور می‌توانند در دولت‌سازی اسلامی نقش بسزایی را ایفا کنند.

نتیجه گیری

در دولت سازی اسلامی علاوه بر نقش حاکمیت بسیاری از آیتم های دیگر نقش دارند، از جمله مردم در این مهم نقش بسزایی دارند به همین دلیل در این پژوهش سعی شده است تا تحولات بینشی لازم برای نقش آفرینی مردم در دولت سازی اسلامی را تبیین کنیم. این نقشی که برای مردم در این عرصه متصور می شود بیشتر جنبه تحولی را دنبال می کند یعنی مردم با توجه به تحولات بینشی لازم، می توانند در این مهم نقش ایفا کنند. ترسیم نقش بینشی نشان می دهد که مردم می توانند با خدا باوری و باور راه و راهنما و هدف با تکیه بر داشته های خود و حفظ ارزش های دینی و انقلابی نسبت به تشکیل دولت اسلامی قدم بردارند زیرا با تحول در بینش است که مردم به بصیرت و آگاهی لازم می رسند و نقش خود را در دولت سازی اسلامی می یابند و حتی در صورت لزوم و در صورت نداشتن این نقش به عنوان رکن اصلی جامعه می توانند این نقش را مطالبه نموده و مورد استفاده قرار دهند.

در این پژوهش از روش تحلیلی - توصیفی استفاده کردیم و به تحولات بینشی برای نقش آفرینی مردم در دولت سازی اسلامی اشاره کرده ایم، به طور کلی می توان نتیجه گرفت که با باور به خدا و امدادهای الهی، باور به درستی راه و هادیان آن، باور به هدف و غایت، باور به داشته های خود و باور به ارزش های دینی و ارزش های انقلاب می توانند در نقش آفرینی مردم برای دولت سازی اسلامی این مهم را دنبال کنند؛ زیرا وجود چنین تحولات بینشی باعث به وجود آمدن و یا پررنگ شدن این نقش آفرینی نزد مردم شده و قدرت مطالبه گری برای نقش آفرینی در دولت سازی اسلامی را ایجاد می کنند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۲. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۳. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، دولت اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۴. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۵. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، تمدن اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۶. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، نهضت انتظار، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۷. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، تحول معنوی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۸. بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، تحول معرفتی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
۹. طاهرزاده، اصغر، آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود، اصفهان، المیزان، ۱۳۸۸.
۱۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار: امدادهای غیبی، انتشارات صدرا.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهبا، ۱۳۹۲.
۱۲. امام خمینی، روح‌الله، شرح چهل حدیث، دفتر نشر آثار حضرت امام، ۱۳۸۴.
۱۳. امام خمینی، روح‌الله، کلمات قصار، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
۱۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، شرح غررالحکم و درر الکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.

۱۵. الهامی، داود، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، «اخلاق و سیاست / بهترین سیاست‌ها و بهترین سیاستمدارها»، سال ۳۹، شماره ۱۰، دی ۱۳۷۸.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، نرم‌افزار لوح حدیث ولایت، مجموعه بیانات و مکتوبات، آثار رهبری، مجموعه دیجیتالی نور، قم.